

بررسی ادراک مادران ایرانی از ویژگی‌های خوشایند و ناخوشایند مربوط به  
دلبستگی ایمن و نایمن در کودکان: یک مطالعه فرهنگی درباره دلبستگی

## Investigating the Perception of Iranian Mothers of Desirable and Undesirable Characteristics which Associated to Secure and Insecure Attachment: A cultural Study about Attachment

*P. S. Seyed Mousavi*

*M. A. Mazaheri, Ph.D.*

*S. Ghanbari*

پرینسا سادات سیدموسوی ✉

دانشجوی دکترای روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

سعید قنبری

دانشجوی دکترای روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۸/۶/۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۸/۲

پذیرش مقاله: ۸۹/۴/۷

### Abstract

There has been extensive research on cultural differences in attachment phenomena in recent years. The present study aims to explore the perception of Iranian mothers of desirable and undesirable characteristics in their childhood and adulthood, as one of the related components of attachment. This research replicates that of Rothbaum et al. (2007) and intends to compare and contrast the results in the

### چکیده:

در سال‌های اخیر مطالعات گسترده‌ای در زمینه تفاوت‌های فرهنگی در خصوص پدیده دلبستگی در حال انجام است، هدف این پژوهش بررسی ادراک مادران ایرانی از ویژگی‌های خوشایند و ناخوشایند فرزندان‌شان، در کودکی و بزرگسالی آن‌ها، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مربوط به دلبستگی بود. این مطالعه تکرار مطالعه روثام و همکارانش (۲۰۰۷) و تلاش برای مقایسه نتایج ایرانی با نتایج مربوط به فرهنگ ژاپنی و آمریکایی می‌باشد.

✉ Corresponding author: Dept. of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran  
Tel: +9809122859597  
Email: [p-mousavi@sbu.ac.ir](mailto:p-mousavi@sbu.ac.ir)

✉ نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی -  
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی  
تلفن: ۰۹۱۲۲۸۵۹۵۹۸  
پست الکترونیک: [p-mousavi@sbu.ac.ir](mailto:p-mousavi@sbu.ac.ir)

Iranian context with those displayed in the Japanese and American cultures. This research is a qualitative study. 30 Iranian mothers of 3-5 year-old children attending nursery schools in Tehran participated in this study. Mothers were asked individually through a semi-structured interview about characteristics which they like and dislike for their children to have in their childhood and adulthood. Results were analyzed by a qualitative method and show that positive mood and naughtiness in childhood, and socially desirable behaviors, good academic achievement and independency in adulthood were the most frequently mentioned desirable characteristics. Maladjustment, negative mood (bad temper) and isolation in childhood, and aggression, negative mood and socially undesirable behaviors in adulthood were the most frequently mentioned undesirable characteristics. The Iranian results were also compared with the results of the Rothbaum et al. (2007) report, and revealed cultural similarities as well as differences in this field. Faith, modesty and patience as desirable characteristics, and disability in expressing demands, low academic achievement and pertinacity as the undesirable characteristics were found as new categories in this study, which were not reported by American and Japanese mothers. These results are discussed in the context of the Iranian culture.

**KeyWords:** culture, attachment, desirable and undesirable characteristics.

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی بوده است. ۳۰ مادر ایرانی، که کودکان آنها بین ۳ تا ۵ سال داشته و در شهر تهران به مهدکودک می‌رفتند در این پژوهش شرکت نمودند. از مادران طی یک مصاحبه نیمه ساختار یافته درباره ویژگی‌هایی که دوست دارند یا دوست ندارند و نمی‌خواهند فرزندشان در کودکی و بزرگسالی آنها را دارا باشند، سؤالاتی پرسیده شد. نتایج با روش کیفی تحلیل شد و نشان داد که خلق مثبت و شیطنت در کودکی، و رفتارهای خوشایند اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و استقلال در بزرگسالی بیشترین ویژگی‌های خوشایند موردنظر بودند. عدم سازگاری، بدخلقی و انزوا در کودکی و پرخاشگری، بدخلقی و رفتار نامطلوب اجتماعی در بزرگسالی بیشترین رفتارهای ناخوشایند مورد توجه بودند. نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش روثام و همکارانش (۲۰۰۷) نیز مقایسه شده، و شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی در این زمینه را آشکار نمود. ایمان، حیا و صبوری به‌عنوان ویژگی‌های خوشایند، و ناتوانی در بیان خواسته‌ها، تحصیلات کم و لجبازی به‌عنوان ویژگی‌های ناخوشایند به‌عنوان مقوله‌های جدید در این مطالعه یافت شدند که در فرهنگ ژاپنی و آمریکایی مورد توجه قرار نگرفته بودند. نتایج در بستر فرهنگ ایرانی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

**کلیدواژه‌ها:** فرهنگ، دلبستگی، ویژگی‌های خوشایند و ناخوشایند

# سبک‌های والدگری در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده

## Parenting Style in Different Types of Family in the Family Process and Content Model

S. Samani, Ph.D. ✉

✉ دکتر سیامک سامانی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

M. Kayyer, Ph.D.

دکتر محمد خیر

استاد بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

Z. Sedaghat

زینب صداقت

پژوهشگر

دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۲/۱۵

پذیرش مقاله: ۸۹/۵/۴

### Abstract

The purpose of this study was to clarify the parenting style in different types of family in the family process and content (FPC) model. The sample consisted of 770 secondary and high school students in Shiraz city. The Parenting Style Questionnaire (children form), Family Process Scale and Family Content Scale were used in this research.

### چکیده:

هدف از این مطالعه تصریح سبک‌های والدگری در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده بود. گروه نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۷۷۰ دانش‌آموز راهنمایی و دبیرستانی از مدارس شهر شیراز بودند. ابزار مورد استفاده در پژوهش شامل پرسشنامه والدگری آلاباما (فرم کودکان)، مقیاس خود گزارشی فرایند خانواده و مقیاس خود گزارشی محتوای خانواده بود.

✉Corresponding author: Dep. Education and Psychology, Islamic Azad University, Marvdasht Branch  
Tel: +9809173150780  
Email: [samanisiamak@gmail.com](mailto:samanisiamak@gmail.com)

✉نویسنده مسئول: مرودشت - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت  
تلفن: ۰۹۱۷۳۱۵۰۷۸۰  
پست الکترونیکی: [samanisiamak@gmail.com](mailto:samanisiamak@gmail.com)

The last two scales were applied for the differentiation of family types in FPC Model (healthy family, unhealthy family, and two types of problematic families). To compare the different dimensions of parenting style in these types of family, the MANOVA test was used. The findings of the research showed that healthy families have a high positive parenting, high father involvement, and a low implementation of physical punishment on their children. In contrast, unhealthy families showed a high rate of physical punishment, and weakness in monitoring. In sum, the results of this study revealed that different types of family in the FPC Model used different parenting styles.

**KeyWords:** Parenting style, Family types, Healthy family.

از دو مقیاس فرایند و محتوای خانواده برای گونه‌شناسی خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده استفاده شد. به منظور مقایسه گونه‌های مختلف خانواده (سالم، مشکل‌دار محتوایی، مشکل‌دار فرایند و غیرسالم) در ابعاد مختلف پرسشنامه والدگری آلاباما، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده گردید. یافته‌های این پژوهش نشان داد که خانواده‌های سالم در مقایسه با دیگر گونه‌های خانواده، از سبک والدگری مثبت، مشارکت بالای پدر، تنبیه بدنی کمتر استفاده می‌کنند. در مقابل، خانواده‌های غیرسالم، استفاده از تنبیه بدنی و نظارت ضعیف بیش از دیگر گونه‌های خانواده قابل مشاهده بود. در مجموع نتایج این مطالعه نشان داد که گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده دارای سبک‌های والدگری متفاوتی می‌باشند.

**کلیدواژه‌ها:** سبک والدگری، گونه‌های خانواده، خانواده سالم

مطالعه چگونگی توزیع قدرت در خانواده؛ مدلی بر اساس نظریه  
مبنایی (GT) (مطالعه نمونه‌های شهر اصفهان)\*

Study of Power Distribution in the Family in Isfahan  
Based On Grounded Theory

M. Kiani, M. A. ✉

مژده کیانی ✉

دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

A. Rabbani Khorasani, Ph.D.

دکتر علی ربانی خوراسگانی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

B. Yazdkhasti, Ph.D.

دکتر بهجت یزدخواستی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

دریافت مقاله: ۸۸/۷/۲۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۹/۲

پذیرش مقاله: ۸۹/۵/۱۸

**Abstract**

The most important objective of this study is recognizing power distribution in the family by using qualitative research of Grounded Theory and analyzing it by conducting focus group workshops and semi-structured interviews with married men. In order to achieve this objective, focus group workshops were held with the partici-

**چکیده:**

مطالعه چگونگی توزیع قدرت در خانواده با استفاده از دریافت کیفی نظریه مبنایی و بررسی آن از طریق اجرای کارگاه‌های گروه متمرکز و مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با مردان متأهل، از مهم‌ترین اهداف این پژوهش به شمار می‌آید. در راستای رسیدن به این هدف، در سال ۱۳۸۸ - ۱۳۸۷، کارگاه‌های گروه متمرکز با مشارکت مردان متأهل در چند گروه برگزار شد.

✉Corresponding author: Member of Faculty in  
Payam noor University  
Tel: +983116815924  
Email: [mjdhkiani@yahoo.com](mailto:mjdhkiani@yahoo.com)

این مقاله مستخرج شده از پایان‌نامه دکتری با حمایت مالی سازمان ملی  
جوانان، تدوین شده است.  
✉نویسنده مسئول: دانشگاه پیام‌نور اصفهان  
تلفن: ۰۳۱۱۶۸۱۵۹۲۴  
پست الکترونیک: [mjdhkiani@yahoo.com](mailto:mjdhkiani@yahoo.com)

pation of some groups of married men. Necessity of using a qualitative research in this article is the recognition of context factors.

Research data analysis and the theoretical model used show that causal conditions, including (1) cultural norms and (2) exclusion of financial resources led to the phenomenon of power inequality. The main phenomenon of power inequality under the intervening conditions of awareness, attitude, marriage age, types of communication, habits and types of a man's relations with his sister and mother led to the development of two main strategies: (1) power enforcement mechanism and (2) household chore division.

The participants were shown to use these factors to control and enforce their power. The consequences of these strategies were different domains of men and women's power, women's participation in the decision-making process and women's obedience. In this article we present a paradigm model of power distribution in the family.

**KeyWords:** Decision-Making, Family Power, Grounded Theory, Cultural Norms, Exclusion of Financial Resources.

ضرورت استفاده از روش تحقیق کیفی در این تحقیق، شناخت عوامل زمینه‌ای می‌باشد. تحلیل داده‌های تحقیق و مدل نظری حاصل بیانگر این است که شرایط علی، هنجارهای فرهنگی و انحصار منابع مالی، منجر به ایجاد پدیده نابرابری قدرت شده است. پدیده اصلی نابرابری قدرت، تحت شرایط مداخله‌گر آگاهی، نگرش، خواست زنان، نوع ارتباطات عادت، نوع شغل و دیگران، منجر به توسعه دو استراتژی اصلی: الف) شیوه اعمال قدرت و ب) چگونگی تقسیم کار خانگی شد. شیوه اعمال قدرت و چگونگی تقسیم کار خانگی، استراتژی‌هایی بوده است که شرکت‌کنندگان، قدرت در خانواده را کنترل می‌کردند و پیامدهای این استراتژی‌ها، عرصه‌های متفاوت قدرت زنان و مردان، مشارکت زنان و تبعیت برای زنان بوده است. در این مقاله مدل پارادایمی توزیع قدرت در خانواده ارائه می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** انحصار منابع مالی، قدرت خانواده، هنجارهای فرهنگی، تقسیم کار خانگی، نظریه مبنایی (GTM)

# فرا تحلیل تحقیقات انجام شده پیرامون میزان سازگاری خانوادگی خانواده‌های شاهد و ایثارگر

## A Meta-Analysis about Researches on Familial Maladjustment of Families of Martyrs and Veterans

A. Moradi, Ph.D. ✉

دکتر اعظم مرادی ✉

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور اصفهان

A. Abedi, Ph.D.

دکتر احمد عابدی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

دریافت مقاله: ۸۷/۶/۱۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۰/۱۲

پذیرش مقاله: ۸۹/۵/۱۱

### Abstract

**Objective:** This research intends to provide a meta-analysis of previous research on familial maladjustment of families of Iranian martyrs and veterans and present an applied model to increase their familial adjustment. Therefore, one main question about familial maladjustment of families of martyrs and veterans and one secondary question about the effect of gender on the familial maladjustment were posed.

### چکیده:

هدف از انجام این پژوهش فراتحلیل تحقیقات انجام شده پیرامون میزان سازگاری خانوادگی خانواده‌های شاهد و ایثارگر بود. برای دستیابی به این هدف، ۱ سؤال اصلی در مورد سازگاری خانوادگی خانواده‌های شاهد و ایثارگر و ۱ سؤال فرعی در مورد تأثیر متغیر جنسیت بر سازگاری خانوادگی این خانواده‌ها طرح شد. به منظور پاسخگویی به سؤالات فراتحلیل از مجموعه پژوهش‌های انجام شده درباره سازگاری خانوادگی خانواده‌های شاهد و ایثارگران در سطح کشور،

✉Corresponding author: Member of Faculty in P-ayam noor University  
Tel:+9809131706499  
Email: [azam\\_moradi\\_iff2005@yahoo.com](mailto:azam_moradi_iff2005@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: دانشگاه پیام نور اصفهان  
تلفن: ۰۹۱۳۱۷۰۶۴۹۹  
پست الکترونیکی: [azam\\_moradi\\_iff2005@yahoo.com](mailto:azam_moradi_iff2005@yahoo.com)

**Method:** To answer these questions from among all research on familial maladjustment of families of martyrs and veterans previously carried out throughout Iran, 5 research studies which were acceptable in terms of methodology and exhibited inclusive criteria, were selected for the meta-analysis.

**Results:** Based on the results of this meta-analysis, the effect size of the rate of familial maladjustment (0/231) was moderate; Moreover the effect size of children's gender (0/078) rated to familial maladjustment of the families was weak.

Based on the findings reported in research's literature and results of the meta-analysis, an applied model for the increase of familial adjustment of families of martyrs and veterans was proposed, which consists of interventions for general factors and factors rated to marital life and parenting.

**KeyWords:** Families of Martyrs and Veterans, Meta-Analysis, Familial Adjustment, Applied Model.

۵ پژوهش که از لحاظ روش‌شناختی مورد قبول بود و ملاک‌های درون‌گنجی را داشت برای انجام فراتحلیل انتخاب شد. براساس نتایج این فراتحلیل، اندازه اثر مربوط به میزان سازگاری خانوادگی خانواده‌های شاهد و ایثارگر متوسط بود (۰/۲۳۱)؛ همچنین اندازه اثر مربوط به تأثیر جنسیت بر سازگاری خانوادگی (۰/۰۷۸)، در سطح پایین‌تر از متوسط با سازگاری خانوادگی خانواده‌های شاهد و ایثارگر رابطه داشت. همچنین بر اساس نتایج این فراتحلیل شهادت یا جانبازی پدر بر سازگاری خانوادگی خانواده‌های شاهد و ایثارگر تأثیر متوسط و جنسیت فرزندان این خانواده‌ها بر میزان سازگاری خانوادگی آن‌ها تأثیر کمی داشته است. بر اساس یافته‌های موجود در پیشینه تحقیق و نیز نتایج حاصل از این فراتحلیل، الگویی برای افزایش سازگاری خانوادگی خانواده‌های شاهد و ایثارگر ارائه شد که شامل مداخلاتی در مورد عوامل عمومی، عوامل مربوط به زندگی زناشویی و عوامل مربوط به فرزندپروری می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** خانواده‌های شاهد و ایثارگر، سازگاری خانوادگی، فراتحلیل، الگوی کاربردی



مقایسه عملکرد خانواده کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه / بیش‌فعالی با  
عملکرد خانواده کودکان بدون اختلال بیش‌فعالی

Family Functioning in 7-15 year old Children with  
and without ADHD in Tabriz City

F. Dortaj, Ph.D.

A. Mohammadi

دکتر فریبرز درتاج ✉

دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی و سنجش دانشگاه علامه طباطبایی

اکبر محمدی

کارشناس ارشد رشته سنجش و اندازه‌گیری (روان‌سنجی)

دریافت مقاله: ۸۷/۵/۲۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۱/۲۰

پذیرش مقاله: ۸۹/۲/۲۵

Abstract

**Objective:** The objective of this study was to assess family functioning of 7-15 year-old children with and without attention deficit/hyperactivity disorder (ADHD) in Tabriz in 2008.

**Method:** We used causal-comparative method with 150 families. 75 of them were families of children with ADHD referred to the clinics of Tabriz and the rest of them were the families of ordinary students of Tabriz. We used Random Cluster sampling and used the Family Assessment Device questionnaire with them, and analyzed the data using t-test.

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، مقایسه عملکرد خانواده کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه / بیش‌فعال ۷-۱۵ ساله مراجعه‌کننده به مراکز روان‌پزشکی تبریز با عملکرد خانواده کودکان بدون اختلال بیش‌فعالی در سال ۱۳۸۷ می‌باشد. این مطالعه از نوع علی-مقایسه‌ای و بر روی ۱۵۰ خانواده انجام گرفته است. ۷۵ خانواده کودکان مبتلا به ADHD ۷-۱۵ ساله، از بین مراجعین کلینیک‌های روان-پزشکی شهر تبریز و ۷۵ خانواده کودکان بدون ADHD از بین دانش‌آموزان سنین ۷-۱۵ ساله تبریز، به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند.

✉Corresponding author: Dehkadey Olampic Allameh Tabatabai University, Tehran.  
Tel: +9821-44737563  
Email: [f\\_dortaj@yahoo.com](mailto:f_dortaj@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: خیابان دهکده المپیک، دانشگاه علامه طباطبایی،  
دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی  
تلفن: ۰۲۱-۴۴۷۳۷۵۶۳  
پست‌الکترونیکی: [f\\_dortaj@yahoo.com](mailto:f_dortaj@yahoo.com)

**Results:** The results showed that there was a significant difference between the 2 groups in problem solving, communication, roles, affective responsiveness, behavioral control, affective involvement and general functioning. The average score of families with ADHD children was higher than the control group. It was found out that ADHD group displayed less healthier functioning compared with the control group.

**KeyWords:** ADHD, Family Functioning.

پرسشنامه ابزار سنجش خانواده (FAD) در مورد آن‌ها اجرا و داده‌های بدست آمده با روش آماری t-test دو گروه مستقل تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها تفاوت بین عملکرد خانواده کودکان دارای ADHD با عملکرد خانواده‌های کودکان بدون ADHD در همه بعدها (یعنی حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، کنترل رفتار، آمیزش عاطفی و عملکرد کلی) را معنادار نشان داد. در میانگین نمرات عملکرد خانواده‌های کودکان دارای اختلال ADHD در ابعاد یاد شده بزرگتر از میانگین نمرات خانواده‌های کودکان بدون ADHD بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عملکرد خانواده گروه ADHD نسبت به گروه کنترل ناسالم‌تر می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اختلال بیش‌فعالی / نقص توجه، عملکرد خانواده

اثر بخشی آموزش خانواده با استفاده از «تئوری سیستمی بوئن» بر  
تمایز یافتگی و کارکرد خانواده‌های دارای فرزند معتاد

**The Effectiveness of Family Training From “Bowen Family System” on Self Differentiation and the Function of Families with Addicted Children**

*F. Ghaffari, M.A.* ✉

*H. Rafiey, Ph.D.*

*B. Sanai, Ph.D.*

فاطمه غفاری ✉

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دکتر حسن رفیعی

استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه پژوهشی رفاه اجتماعی

دکتر باقر ثنایی

استاد دانشگاه تربیت معلم تهران، گروه مشاوره

دریافت مقاله: ۸۸/۷/۱۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۲/۸

پذیرش مقاله: ۸۹/۶/۱

**Abstract**

The purpose of this study was to investigate the effectiveness of Bowen Family System therapy in increasing self-differentiation and improving family function in families with addicted children. Based on previous studies, addicted persons and their

**چکیده:**

پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی خانواده‌درمانی سیستمی بوئن بر افزایش تمایز یافتگی و بهبود کارکرد خانواده‌های دارای فرزند معتاد انجام شده است. بر اساس مطالعات انجام شده افراد معتاد و خانواده‌های آنها تمایز یافتگی پایینی دارند که این امر موجب بدکارکردی خانواده می‌شود.

✉Corresponding author: University of Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran  
Tel: +9809144201418  
Email: [fghafari1983@gmail.com](mailto:fghafari1983@gmail.com)

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، خیابان کودکیار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی  
تلفن: ۰۹۱۴۴۲۰۱۴۱۸  
پست الکترونیکی: [fghafari1983@gmail.com](mailto:fghafari1983@gmail.com)

families exhibit low self-differentiation, which makes them dysfunctional. The design of this research was an experimental one with a pre-test, post-test and randomized control group. The samples (10 addicted families) were selected voluntarily of single addicted persons and their families in 4 addiction clinics in Tehran. The samples were randomly assigned to two experimental and control groups. The experimental group received a therapy based on Bowen Family System theory in 8 sessions along with the standard treatment and addiction based on national protocols of Ministry and Health and Social Welfare Organization, while the control group was not exposed to such a therapy. Pre- and post- test data were investigated using a covariance analysis test. The results showed that Bowen Family System therapy increases self-differentiation and improves the functioning of addicted persons and their families.

**KeyWords:** Bowen Family System Therapy, Addiction, Self Differentiation, Family Function.

این مطالعه از نوع طرح‌های آزمایشی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون همراه با گروه کنترل است. گروه نمونه این پژوهش که به طور داوطلبانه از میان مراجعین مجرد معتاد و اعضای خانواده‌های آن‌ها از ۴ مرکز درمانی اعتیاد انتخاب شدند، به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۵ خانواده ۴ نفره) و کنترل (۵ خانواده ۴ نفره) جایگزین شدند. گروه آزمایش ۸ جلسه ۲ ساعته تحت خانواده‌درمانی بر اساس تئوری سیستمی بوئن قرار گرفتند و در این مدت گروه کنترل فقط درمان متعارف بهیستی/ وزارت بهداشت را دریافت می‌کردند. داده‌ها که بر اساس پرسشنامه تمایزیافتگی و ابزار سنجش خانواده بدست آمده بود، با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفت و نشان داد که خانواده‌درمانی سیستمی بوئن موجب افزایش تمایزیافتگی و بهبود کارکرد افراد معتاد و اعضای خانواده‌های آن‌ها می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** خانواده‌درمانی سیستمی بوئن، اعتیاد، تمایزیافتگی، کارکرد خانواده

مقایسه تأثیر دو نوع مداخله مدیریت مورد (کارشناسان بهداشت و  
اعضای خانواده بیماران) بر کیفیت زندگی بیماران اسکیزوفرنیا

Comparing Effect of two type of case Management Intervention  
(Health Worker and Family Member of Patient) in Quality of Life  
of Schizophrenic Patients

*L. Panaghi, Ph.D.*

*S. K. Malakoti, Ph.D.*

*N. Chimeh, Ph.D.*

*Z. Ahmadabadi*

*A. Nori Karbalaii, Ph.D.*

دکتر لیلی پناغی ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر سید کاظم ملکوتی

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر نرگس چیمه

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

زهره احمدآبادی

کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر اشرف نوری کربلایی

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۸/۴/۲۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۰/۱۵

پذیرش مقاله: ۸۹/۴/۲۷

چکیده:

**Abstract**

**Objective:** The present research aims to examine the effectiveness of two kinds of case management intervention (a health worker and a family member of a Schizophrenic patient).

**Method:** The design of this study was quasi-experimental. 176 schizophrenic

این مطالعه به بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر جامعه و مقایسه دو نوع مداخله مدیریت مورد (کارشناسان بهداشت و اعضای خانواده بیماران) بر کیفیت زندگی بیماران اسکیزوفرنی پرداخته است. این مطالعه از نوع شبه تجربی بود که در آن ۱۷۶ بیمار مبتلا به اسکیزوفرنیا تحت دو نوع مداخله

✉Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, G. C., Tehran, Iran  
Tel: +9821-22431814  
Fax: +9821-29902368  
Email: [lpnaghi@yahoo.com](mailto:lpnaghi@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده  
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸  
پست الکترونیکی: [lpnaghi@yahoo.com](mailto:lpnaghi@yahoo.com)

patients received case management interventions in two groups: family members and health workers. Before and after the interventions, the Wisconsin Quality of Questionnaire was completed by the participants.

**Results:** No difference in the subscale of quality of life questionnaire was observed between the two groups. However, in some subscales, like symptoms of disease, economic status and satisfaction, the family member intervention showed a higher score. Community-based intervention and case management improves the quality of life in both groups.

**Conclusion:** Case management could be achieved successfully by family members of Schizophrenic patients who have a high-school diploma, which consequently may result in saving money and resources.

**KeyWords:** Family, Quality of Life, Schizophrenia, Case Management, Community-Based Intervention.

مدیریت مورد شرکت کردند که با آزمون کیفیت زندگی ویسکانسین قبل و بعد از مداخله مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان دادند که نه تنها در تمامی خرده‌مقیاس‌های کیفیت زندگی تفاوتی معنادار بین خدمات گروه کارشناسان و اعضای خانواده وجود نداشت، بلکه در بعضی از خرده‌مقیاس‌ها مانند وضعیت اقتصادی، رضایت و علائم بیماری، گروه اعضای خانواده میانگین بالاتری کسب کردند.

هم‌چنین مداخله مبتنی بر جامعه و مدیریت مورد، صرف‌نظر از گروه ارائه‌دهنده خدمات در منزل، به بهبود معنادار کیفیت زندگی انجامید. در نتیجه برای انجام مداخله مدیریت مورد می‌توان به اعضای خانواده بیماران با سطح تحصیل دیپلم نیز اعتماد کرد و ارائه این‌گونه خدمات را با هزینه کمتر انجام داد.

**کلیدواژه‌ها:** خانواده، کیفیت زندگی، اسکیزوفرنیا، مدیریت مورد، مداخله مبتنی بر جامعه

## رابطه ابعاد دلبستگی و عوامل پنجگانه شخصیت از منظر فردی و زوجی

### The Relationship Between Attachment Dimensions and the Big-Five Factors of Personality from the Dyadic and Individual Approaches

*P. Nilforooshan* ✉

*S. A. Ahmadi, Ph.D.*

*M. Fatehizadeh, Ph.D.*

*M. R. Abedi, Ph.D.*

*V. Ghasemi, Ph.D.*

پریسا نیلفروشان ✉

دانشجوی دکترا مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان

دکتر سیداحمد احمدی

استاد گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر مریم فاتحی زاده

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر محمدرضا عابدی

دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر وحید قاسمی

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۲۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۲/۴

پذیرش مقاله: ۸۹/۵/۱۸

#### Abstract

Attachment Theory and the Big-Five Factors of Personality exhibit commonalities in explaining individual differences. There is a sizeable amount of research which studied the relationship between attachment dimensions and personality factors. The purpose of this research was to study the simple correla-

#### چکیده:

نظریه‌های دلبستگی و پنج عامل بزرگ شخصیت در تبیین تفاوت‌های فردی، ویژگی‌های مشترکی دارند. تحقیقات مختلفی رابطه ابعاد دلبستگی و عوامل شخصیتی را بررسی کرده‌اند. هدف از این پژوهش بررسی همبستگی ساده ابعاد دلبستگی و عوامل شخصیتی، و نیز بررسی رابطه

✉Corresponding author: Dept. of Counseling, Isfahan University, Isfahan, Iran.  
Tel: +98311-7932515  
Email: [panilfo@yahoo.com](mailto:panilfo@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: اصفهان، خیابان هزارجریب، دانشگاه اصفهان،  
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه مشاوره  
تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۵۱۵  
پست الکترونیک: [panilfo@yahoo.com](mailto:panilfo@yahoo.com)

tion between attachment dimensions and personality factors, the relationship between attachment dimensions and personality factors at the individual level, and also the relationship between attachment dimensions and self-personality, spouse's personality, and spouse's attachment dimensions at the couple level. The population of this research included Isfahani couples. The sampling method was available selection. From this population 180 available married persons (90 couples) were selected. The ECR-R and the NEO-FFI were used to collect the required data. To analyze the data, descriptive analysis, simple correlation, and hierarchical regression analysis (stepwise) were used. The results showed that there is a significant positive relationship between attachment anxiety and self neuroticism, spouse's neuroticism, and spouse's attachment dimensions. Also there is a significant negative relationship between attachment anxiety and spouse's extraversion. Attachment avoidance has a negative relationship with self extraversion, agreeableness, and conscientiousness and spouse's extraversion. The relationship between attachment avoidance and spouse's attachment dimensions is positive and significant. At the individual level, attachment anxiety is explained mainly by neuroticism. And attachment avoidance is explained by extraversion and agreeableness. At the couple level, attachment anxiety is predicted by self neuroticism and spouse's attachment avoidance respectively. Attachment avoidance is predicted by self extraversion, spouse's attachment anxiety, and spouse's extraversion. In general, it can be concluded that attachment dimensions are individual and relational characteristics.

**KeyWords:** Adult Attachment, Attachment Anxiety, Attachment Avoidance, Personality, Big-Five Factors.

ابعاد دلبستگی و عوامل پنجگانه شخصیت در سطح فردی و در سطح زوجی بود. جامعه پژوهش شامل همسران ساکن در شهر اصفهان بود که از این جامعه ۱۸۰ نفر (۹۰ زوج) به صورت در دسترس انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به پرسشنامه تجدیدنظر شده تجارب در روابط نزدیک (ECR-R) و پرسشنامه پنج عاملی نئو (NEO-FFI) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های توصیفی از ضریب همبستگی ساده و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به روش گام به گام استفاده شد.

نتایج نشان داد که اضطراب دلبستگی با روان‌رنجوری خود، روان‌رنجوری همسر، و ابعاد دلبستگی همسر، رابطه مثبت معنادار و با برون‌گرایی همسر رابطه منفی معنادار دارد. اجتناب دلبستگی با برون‌گرایی، توافق‌پذیری، وجدان‌گرایی خود، و برون‌گرایی همسر رابطه منفی، و با ابعاد دلبستگی همسر رابطه مثبت معنادار دارد. در سطح فردی اضطراب دلبستگی عمدتاً توسط روان‌رنجوری خود، و اجتناب دلبستگی توسط برون‌گرایی و توافق‌پذیری تبیین می‌شود. در سطح زوجی اضطراب دلبستگی به ترتیب توسط روان‌رنجوری خود و اجتناب دلبستگی همسر پیش‌بینی می‌شود. همچنین اجتناب دلبستگی به ترتیب توسط برون‌گرایی خود، اضطراب دلبستگی همسر، و برون‌گرایی همسر تبیین می‌گردد. به‌طور کلی ابعاد دلبستگی هم جزء ویژگی افراد و هم جزء ویژگی رابطه است.

**کلیدواژه‌ها:** دلبستگی بزرگسالان، اضطراب دلبستگی، اجتناب دلبستگی، شخصیت، پنج عامل بزرگ شخصیت